

شناسایی الگوهای زیبایی شناسی منظر بومی گیلان مبتنی بر تحلیل منظر روستایی (نمونه موردی: روستای پس چپر)

مریم رضانی

کارشناس ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
و مدرس موسسه آموزش عالی دیلمان

معصومه لیوانی*

کارشناس ارشد طراحی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
و مدرس دانشگاه گلستان

چکیده

معماری بومی گیلان براساس مطابقت حداکثری با اقلیم و امکانات محلی شکل گرفته است. منظر روستایی گیلان، شامل الگوهای ساختی است که عمدتاً در طول سالیان، با توجه به اقلیم، فرهنگ و نیازهای عملکردی جوامع روستایی شکل یافته است. گیلانی رابطه خاصی با طبیعت دارد که در معماری، فرهنگ، آداب و رسوم و منظر که می‌سازد، آشکار است. منظر گیلان ساخته ذهن گیلانی است، ذهنی که افزون بر پیشینه تاریخی و فرهنگی و اقلیم خاص خود معیارهای زیبایی شناسانه خاصی دارد. عدم شناخت کافی نسبت به معماری بومی و منظر ارزشمند حاصل از آن، موجب تخریب منظر و گسست خاطرات خواهد شد، که علاوه بر تضعیف هویت، با از بین رفتن تعلق و احساس مسؤلیت نسبت به محیط زندگی، نتایج تأسف باری به بار خواهد آورد. دستیابی به الگوهای ارزشمند این منظر، نیازمند شناخت و بازنگری نمونه‌های قدرتمند آن است. حال آنکه این منظر تاکنون مورد تحلیل قرار نگرفته و الگوهای زیبایی شناسانه آن، کشف نشده است. مناظر روستاهای قدیمی نمونه‌های بارزی هستند که می‌توان در آنها به پیوند کامل حسی دست یافت؛ چراکه هسته اولیه این روستاها با توجه کامل به بستر طبیعی پیرامون شکل گرفته و علاوه بر مناظر طبیعی روستا، عوامل کالبدی اعم از توپوگرافی و غیرکالبدی چون بوها، نور و صداها در آن رعایت گردیده است. چنانچه بتوان ریخت‌شناسی منظر روستا را استخراج نموده و به فرایند شکل‌گیری و عناصر سازنده آن پی برد، می‌توان از آن در تقویت بافت فرهنگی و تصمیم‌سازی در مورد عوامل مؤثر در منظر شهر استفاده کرد. این پژوهش مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی است. در بررسی کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع علمی موجود و بررسی آنها شاخص‌های مورد نظر در ارزیابی محدوده مطالعه استخراج گردید. همچنین با بررسی تاریخی مناظر روستایی گیلان و سوابق پژوهشی انجام شده در این زمینه، فرهنگ و آداب رسوم گیلان و الگوی برخورد مردم گیلان با طبیعت در ساخت منظر بومی مطالعه گردیده و در ادامه از طریق مشاهدات عینی، منظر عینی روستای «پس چپر» و طبقه‌بندی مشاهدات و انطباق آن با شاخص‌های استخراج گردیده در مطالعات، الگوهای کالبدی همراه با موارد مناسب کاربرد هر کدام در قالب جدولی کاربردی به عنوان نتایج حاصل از پژوهش طبقه‌بندی گردید. یافته‌های حاصل از این پژوهش گویای آن است که منظر عینی روستای مورد مطالعه، از حیث زیبایی‌شناسی، برخاسته از ذهنیت و نحوه نگرش یک گیلانی به طبیعت است. در این نگرش آمیختگی محیط مسکونی با طبیعت به خوبی به چشم می‌خورد. رشد و توسعه تدریجی کلیت روستا و تغییرات بطئی عناصر درون آن پیوندی پررنگ با طبیعت داشته و از الگوی رشد تدریجی آن تبعیت می‌نماید. بررسی منظر عینی روستا، نشان‌دهنده غلبه بستر طبیعی پیرامون به عناصر کالبدی و مصنوع آن است. اصول طراحی رعایت شده در این روستا از یک اصل کلی تبعیت می‌نماید، و آن وجود ارتباط بصری بالا میان فضاهای مختلف روستاست. قریب به تمامی مناظر روستا با داشتن عناصر کالبدی و حس مکانی متنوع و مخصوص به خود، دارای دو عنصر اصلی پیش‌زمینه و پس‌زمینه‌ای طبیعی اند. این مناظر علی‌رغم داشتن اصول طراحی مشخص و فکر شده، بکر به نظر می‌رسند. و ناظر هنگام حضور و حرکت در فضا خود را توأماً در میان روستا و طبیعت می‌یابد.

واژگان کلیدی: منظر بومی روستا، زیبایی‌شناسی، مصالح بومی، منظر ذهنی، گیلان

مقدمه

این پژوهش تأملی بر زیبایی‌شناسی ارزش‌های نهفته در منظر بومی گیلان است که درک آنها بدون تأمل و تحقیق امکان‌پذیر نیست. هرچند که معماری گیلان حداقل از نظر ساخت و انطباق با فرهنگ گیلانی، بالاخص در سال‌های اخیر به جهت بازگشایی موزه میراث روستایی گیلان و همت اندیشمندان تا حدی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، اما منظر بومی گیلان همچنان ناشناخته مانده است. عدم شناخت کافی نسبت به منظر بومی و ارزشمند موجود در نتیجه چهل به الگوهای منظرین در طول سالیان موجب تخریب منظر و گسست خاطرات خواهد شد (اسپیرن، ۱۳۸۷). و گسست خاطرات، موجب تضعیف هویت، از بین رفتن تعلق و در نتیجه عدم احساس مسؤلیت نسبت به محیط زندگی می‌گردد؛ که نتایج تأسف باری به بار خواهد آورد. مناظر روستاهای قدیمی نمونه‌های بارزی هستند که می‌توان در آنها به پیوند کامل حسی دست یافت؛ چراکه هسته اولیه این روستاها در شرایطی برپا گردیده و گسترش یافته‌اند که مردم، محیط طبیعی پیرامون را به خوبی شناخته و در نتیجه علاوه بر مناظر روستا، عوامل کلیدی روستا اعم از توپوگرافی و عناصر مصنوعی چون کوچه‌های پر پیچ و خم، و عناصر غیرمصنوعی چون بوها، سایه روشن نور و صداها را نیز تجربه می‌کردند. مناظر پرچین‌دار روستاها، در عین خوانایی و آشنایی به نوعی پیچیده و مرموزند و ما را به کشف خود ترغیب می‌کنند. در این زمینه سیمون بل نیز در کتاب خود چنین اشاره می‌نماید که «چنانچه بتوانیم ریخت‌شناسی منظر روستا را استخراج نموده و به فرایند شکل‌گیری و عناصر شکل‌دهنده آن پی ببریم؛ می‌توانیم از آن در تقویت بافت فرهنگی و شکل دادن به تصمیماتی در مورد عوامل مؤثر در منظر شهر که شامل کاربری‌های آینده، حفاظت، مدیریت یا توسعه آنهاست استفاده کنیم» (بل، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

۱. بررسی‌های تحقیق

آیا منظر بومی گیلان الگوهایی در ساخت دارد؟ نحوه برخورد ساکنین گیلان، با طبیعت چگونه است؟ کالبد روستا چه رابطه‌ای با بستر طبیعی پیرامون خویش برقرار نموده است؟ چه ارتباطی میان منظر عینی روستا و منظر ذهنی ساکنان آن وجود دارد؟ اصلی‌ترین عنصر هویت بخش سیمای روستای گیلان چیست؟

۲. روش و فرایند تحقیق

منظر بومی گیلان، دارای الگوهایی در منظرسازی است که منطبق بر احترام حداکثری به طبیعت است. با توجه به این فرضیه و به منظور بررسی صحت آن، روش تحقیق این پژوهش، کیفی و با رویکردی تفسیری است، و روند انجام آن مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی است. در بررسی کتابخانه‌ای با

مراجعه به منابع علمی موجود و بررسی آنها شاخص‌های مورد نظر در ارزیابی محدوده مطالعه استخراج گردید. همچنین با بررسی تاریخی مناظر روستایی گیلان و سوابق پژوهشی انجام شده در این زمینه، فرهنگ و آداب رسوم گیلان و الگوی برخورد مردم گیلان با طبیعت در ساخت منظر بومی مطالعه گردیده و در ادامه از طریق مشاهدات عینی منظر عینی روستای پس چپر و طبقه‌بندی مشاهدات، الگوها، نکات منظر و نتیجه‌گیری از این ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و انطباق آن با شاخص‌های استخراج گردیده در مطالعات، الگوهای کالبدی، همراه با موارد مناسب کاربرد هر کدام در قالب جدولی کاربردی به عنوان نتایج حاصل از پژوهش طبقه‌بندی گردیده است. موارد بیان شده در قالب سه مرحله انجام گردید، که هر کدام از چند فعالیت تشکیل گردیدند: مرحله ۱: مطالعات کتابخانه‌ای:

- مطالعه روش‌های زیبایی‌شناسی منظر و عوامل مؤثر در انتخاب شاخص‌های زیبایی؛
- مطالعه و شناخت اجمالی نقش طبیعت در فرهنگ و معماری و آداب و رسوم گیلان؛
- مرحله ۲: مطالعات و برداشت میدانی:
- طبقه‌بندی مشاهدات میدانی بر اساس مرحله اول نمودار ۱ (فاصله دید)؛
- طبقه‌بندی مشاهدات میدانی بر اساس مرحله دوم نمودار ۱ (حضور ناظر در محیط و ادراک با تمامی حواس - دسته‌بندی بر اساس مرزهای عملکردی و عناصر بصری منظر)؛
- مرحله ۳: تحلیل کیفی - تفسیری مبانی نظری حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و انطباق آن با نتایج حاصل از برداشت میدانی:
- نتیجه‌گیری از مرحله ۲ (مشاهدات میدانی)؛
- انطباق نتیجه‌گیری مشاهدات عینی با مطالعات مرحله ۱ (طبق نمودار ۲).

۳. پیشینه تحقیق

روند پیشرفت پژوهش‌های داخلی انجام یافته در مقوله زیبایی‌شناسی در سال‌های اخیر فزونی یافته و مباحث متعددی را مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند، لیکن این بررسی‌ها در مورد معماری بومی گیلان محدود بوده و در مورد منظر روستایی گیلان نیز پژوهشی انجام نشده است. بنا براین، این پژوهش از حیث انطباق دیدگاه‌های مطرح شده با نمونه‌های میدانی خود منحصربفرد است. در مورد نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده در سایر کشورها، تعدد نظریات قابل توجه می‌باشد. که از زوایای گوناگونی به بررسی مسأله زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند. در میان تحقیقات خارجی انجام گردیده، سایمون بل به جمع‌آوری و نقد و تحلیل دیدگاه‌های گوناگون زیبایی‌شناسی در حوزه منظر پرداخته و به تجمیع آرای در این مورد دست یافته است. مبانی نظری

این پژوهش بر پایه دیدگاه‌های سایمون بل استوار گردیده و تحلیل‌های میدانی آن با نظریات او مورد سنجش واقع گردیده است.

۴. مفاهیم و مبانی نظری

۴-۱. زیبایی‌شناسی منظر

اصطلاح «aesthetics» به معنای زیبایی‌شناسی از واژه‌های یونانی «aesthenesthai» به معنای فهمیدن و «aistheta» به معنای موضوعات فهمیده شده توسط چشم، مشتق شده است. انسان از جمیع حواس پنجگانه خویش برای بدست آوردن اطلاعات جهان پیرامونی استفاده می‌کند. ادراک زیبایی‌شناسانه محیط از بدو تولد، که انسان چشم به جهان می‌گشاید آغاز می‌گردد و هر تجربه، در روندی فزاینده بر میزان درک انسان از محیط پیرامونش می‌افزاید (بل، ۱۳۸۶). براساس نظریه «اطلاعات سمانتیک»، اطلاعات زیباشناختی عواطف انسان را مخاطب خویش قرار می‌دهد؛ در حالی که سایر پیام‌های محیط ذهن انسان را به خویش مشغول می‌سازد. بر اساس این نظریه، یک پیام زمانی زیبایی را القاء می‌کند، که به مقدار کافی پرت اطلاعات داشته و از بداعت برخوردار باشد. در این صورت گیرنده پیام مجبور به تشکیل طرحواره گردیده و ذهن او به اجبار معطوف به ادراک بالاتری می‌گردد. حس زیبایی‌شناختی زمانی حاصل می‌گردد که انسان در میان مجموعه‌ای از اطلاعات دریافتی به ظاهر نامنظم و مغشوش، موفق به کشف یک نظم نسبی گردد. در واقع احساس زیبایی و نوآوری در ارتباط با یکدیگرند و از طرف دیگر نوآوری در ارتباط مستقیم با غیرقابل پیش بینی بودن است. «بدین ترتیب با تکرار رؤیت یک اثر، از میزان بداعت آن کاسته گردیده و در نتیجه اثر زیبایی‌شناختی آن کاهش خواهد یافت» (گروتو، ۱۳۸۳، صص ۹۶-۹۷). علاوه بر تأثیر میزان بداعت یک پیام در ادراک زیبایی‌شناختی فرد ناظر، میزان فاصله یک فرد از یک اثر یا منظر نیز تأثیر قابل توجهی در ادراک زیبایی‌شناختی او دارد. دو فاصله مهم و اصلی که مورد توجه و بررسی بل نیز قرار گرفته است عبارت از: ۱. فاصله ناظر از منظر ۲. حضور او

جدول ۱: روش پاسخ زیبایی‌شناسی (بل، ۱۳۸۵)

مکان‌یابی فرد ناظر در ارتباط با منظر	حالت ادراک منظر
فاصله (بینایی غالب است)	سنّتی (حالت تماشایی دارد)
حضور ناظر در متن منظر	در محیط (درگیری چندحسی با منظر)

جدول ۲: شرحی بر طبیعت پاسخ زیبایی‌شناسی (بل، ۱۳۸۵)

تعمیرات از ابتدای مشاهده تا دریافت مفاهیم فرهنگی منظر	زیبایی‌شناسی شناخت‌گر به تدریج به زیبایی‌شناسی شناختی فوق حسی بدل می‌شود.
عدم نیاز به دانش	حسی
آفرینش دانش و ادراک	منظم
اهمیت دانش	معنی‌دار
دانش کم منجر به پسخی نادرست می‌شود.	دریافت مفهوم فرهنگ (عناصر منظر مفاهیم مشروط فرهنگی منطقه را نیز در بر می‌گیرند)

در متن منظر. جدول شماره ۱ تغییر یا طیف پاسخ از موقعیتی است که ناظر از منظر دیده شده فاصله دارد؛ تا موقعیتی که ناظر فعّالانه در منظر حضور پیدا می‌نماید. بل این جدول را روش پاسخ‌زیبایی‌شناختی نامیده است (همان).

هنگامی که ناظر از منظر مورد مشاهده دور است، نمی‌تواند از تمامی حواس پنجگانه خود در درک منظر بهره ببرد. در این حالت ادراک او بر پایه بینایی و احتمالاً شنوایی است. و طرحواره شکل گرفته در ذهن او کلیتی است همراه با ابهامات و حدسیات. در این مرحله، کیفیت منظر ادراک شده و میزان برانگیختگی عاطفی فرد ناظر، در زیبا خواندن محیط مؤثر است و می‌تواند در نزدیک شدن او برای قرارگیری در متن منظر و درگیری چندحسی با آن مؤثر باشد. از طرفی دیگر در روند مشاهده یک منظر نیز تغییرات پیش‌رونده‌ای موجود است؛ که از درگیری اطلاعات حسی آغاز شده و تا همگون‌سازی با دانش، باورها و شرایط فرهنگی پیش می‌رود. در این روند، ناظر پس از برداشت حسی به کشف فرم و الگوها و ساختار زیربنایی منظر پرداخته و در نهایت با کوششی آگاهانه به تطبیق آنچه دیده است با دانش از پیش موجود خویش می‌پردازد. و با بکارگیری ارتباطات موجود میان منظر و داشته‌های ذهنی خویش آن را ارزش‌گذاری می‌نماید (گروتو، ۱۳۸۳).

این موارد نشان می‌دهد که هر پاسخ زیبایی‌شناسی به منظر پاسخی است پیچیده و متأثر از چندین عامل. هر چه مناظر زیبایی‌شناختی ادراک شده، بیشتر از مقولات فرهنگی یک جامعه نشأت بگیرد، به ثبات مقوله زیبایی نزدیک تر بوده و واجد ارزش بیشتری است. پیترو اسمیت در دسته بندی ارزش‌های زیبایی‌شناختی خویش به سه سطح اشاره می‌کند؛ که عبارتند از: ۱. سطحی و در تغییر سریع؛ ۲. متوسط و در تغییر دوره‌ای؛ ۳. عمیق و در تغییر بطئی و آرام. در نگاه او، مد در زیبایی‌شناسی ارزشی سطحی و تغییرپذیر دارد و سبک‌ها در جایگاه متوسطی قرار گرفته‌اند. دسته سوم، ارزش‌های پایه در زیبایی‌شناسی است؛ که در عمیق‌ترین لایه روان جا می‌گیرد و می‌توان از آن به عنوان زیبایی مقدس یا زیبایی جاودانه یاد کرد (گروتو، ۱۳۸۳). این نوع زیبایی هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود. یعنی به عنوان الگوهای زیباشناسانه در طول زمان ادامه یافته و تکرار می‌شوند. و در طی سالیان باقی می‌مانند (منصوری، ۱۳۸۸). عامل دیگری که در تمایل انسان نسبت به یک پدیده اثرگذار است، انس و تعصب است. تلقین (انس) و تعصب نسبت به یک پدیده می‌تواند در نوع احساس به آن مؤثر باشد زیرا تکرار دیدن یک پدیده باعث انس به آن می‌شود و سلیقه انسان را نسبت به آن متمایل می‌کند (لیلیان، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر ترکیب قدیمی و جدید می‌تواند یکی از مصادیق زیبایی باشد به نحوی که جدید، تکرار شده و متداول باشد و در طول زمان ادامه یابد. بداعت نیز همان‌طور که در بالا بدان اشاره گردید، به علت درگیری ناظر با آن جهت تشکیل طرحواره ذهنی از آن، یکی از عوامل مؤثر در زیبایی‌شناسی است (طاهباز، ۱۳۷۷).

به همین جهت در تحلیل الگوهای منظر روستایی گیلان به الگوهای تکرار شونده و ترکیب مصالح قدیمی و جدید در تکرار یک فرم واحد، که در طول زمان تکرار می‌شوند، پرداخته شده است. هر دیدگاه یا پیشینه فرهنگی خود یا ارزشی که به منظری خاص نسبت می‌دهیم، در اساسی‌ترین و ساختمندترین سطح خود به صورت الگو در نظر گرفته می‌شود (بل، ۱۳۸۶). بل برای به نظم کشیدن الگوهای ادراکی در مرحله دوم جدول ۲، عناصر بصری طراحی منظر را پیشنهاد می‌دهد که عبارتند از: ۱. عناصر پایه (نقطه، حجم، صفحه، حجم صلب و حجم باز)؛ ۲. متغیرها (شمار، موقعیت، راستا، جهت، اندازه، شکل (فرم)، فاصله، بافت، تراکم، رنگ، زمان، نور، نیروی بصری، اینرسی بصری)؛ ۳. سازماندهی (اهداف: تنوع، وحدت، روح مکان؛ الگوهای فضایی: نزدیکی، محصوریت، چفت شدگی، تداوم، تشابه، فیگور، زمینه؛ نظم دهی: محور، تقارن، سلسله مراتب، فرض، تغییر شکل)، که آمیزه‌ای از این عناصر الگوهای آینده منظر را پیش‌بینی می‌کند» (بل، ۱۳۸۶، ص ۲۲). بعضی الگوها حاصل فرایندهای خاص اکولوژیکی و ارتباط متقابل آن با زمین ریخت و اقلیم هستند، برخی دیگر حاصل فعالیت بشر و ارتباط متقابل آن با روندهای طبیعی است، که برنامه‌ریزی آگاهانه یا طرح‌ریزی خاصی توأم با هدفی ذهنی و زیبایی‌شناسی ندارند. چنین منظرهای خود سازماندهی می‌توانند گیرا باشند. بل منظر مزارع برنج در دنیا را یک نمونه از منظر خود سازماندهی می‌داند (همان، ص ۳۲۹). در این پژوهش، اساس بررسی‌ها بر عناصر تکرار شونده در طول زمان استوار است (تعیین محدوده‌های عملکردی و مرزها)، که این عناصر از دیدگاه بصری در دو موضع فاصله دید ناظر با منظر مورد نظر و قرارگیری در متن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در بررسی این عناصر به عوامل برانگیزاننده عواطف ناظر که از خصوصیات اولیه درک زیبایی‌شناختی است پرداخته و آنچه که موجبات غنای حسی گردیده است، بیان خواهد شد.

۴-۲-۲. شناخت اجمالی نقش طبیعت در فرهنگ گیلان

در زمینه شناخت اجتماعی و آیین‌ها و آداب و رسوم مردم گیلان مطالب زیادی گفته شده است که از میان آنها داده‌هایی که ما را به شناخت بیشتر این مردم در برخورد با طبیعت، رهنمون سازد و نمود آشکاری در معماری منطقه یا در آیین‌های مردمی دارد، دست چین شده است.

۴-۲-۱. نقش طبیعت در آیین‌ها و آداب و رسوم

پروفسور «کریستین سن» بدون اشاره به هم‌ریشگی فرهنگ و زراعت، در بحث زبان‌شناسانه‌اش تمدن و زراعت را قرین می‌کند (مهبری آتیه، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵). شعر و موسیقی نیز از دیرباز با فرهنگ گیلانیان عجین بود تا جایی که در اکثر مراسم‌های سنتی مانند مراسم عروسی، مراسم پیشواز نوروزی (عروس گوله، نوروزی خوانی، آینه تکم و ...) مراسم کشاورزی (نشاء و جین و...) ترانه‌های خاصی خوانده می‌شد. به دلیل طبیعت بکر و زیبای گیلان، مردمان این سرزمین از روحیه‌ای حساس و هنرمندانه برخوردار بودند. اگر در اشعار فولکلور منطقه دقت شود درمی‌یابیم

که طبیعت و عناصر طبیعی با روح و جان مردمان این خطه عجین است. برای مثال برای برنج کاری اشعار فولکلور خاصی خوانده می‌شود و آیین‌ها و مراسم خاصی دارد و در موسیقی محلی گیلان آهنگ‌های جمعی شالی‌کاری به «بجارسری» معروف است که از آهنگ‌های مشهور موسیقی گیلان است (عباسی، ۱۳۸۷). همچنین در آیین نوروزی خوانی، نوروزی خوان‌ها معمولاً بعد از اجرای مراسم به صاحب‌خانه، یک شاخه شمشاد به عنوان نماد سبزی و نیک‌بختی، هدیه می‌دادند و اگر صاحب‌خانه در خانه حضور نداشت، شاخه شمشاد را بر یکی از ستون‌های ایوان خانه نصب می‌کردند (موسوی، ۱۳۸۶).

۴-۲-۲. نقش طبیعت در معماری بومی

رفیعی در کتاب خویش بررسی منطقی و ریزینیانه‌ای در شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری معماری بومی گیلان انجام داده است. او این عوامل را عبارت از موارد ذیل می‌داند: فرهنگ، طبیعت، اقتصاد، اجتماع. یافته‌های او مؤید این مطلب است که معماری گیلان در عین فائق آمدن بر نامهربانی‌های طبیعت (مانند زلزله‌های مداوم در گیلان، باد و باران و برف‌های سنگین و...) همچون پیکره‌های هماهنگ در بستر طبیعت از مواهب آن (نور خورشید، کوران، منابع و مصالح) بهره می‌گیرد. جهت استقرار بنابر اساس باد و توپوگرافی و مصالح سازنده آن بر اساس مصالح طبیعی موجود در محل است (رفیعی، ۱۳۹۰). مصالح چوبی برای چندمین بار در ساخت خانه‌های مختلف طی سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. این امر موجب حفظ و هدر نرفتن منابع طبیعی و جنگل بوده است. همچنین چوب‌ها به شکل طبیعی و بدون تراش بر روی هم مستقر می‌شوند، این امر از اتلاف منابع جلوگیری می‌کند و این سازنده و معمار است که خود را با طبیعت هماهنگ می‌کند (میریوسفی، ۱۳۸۶). در ساختار کالبدی این نوع معماری هیچ‌گونه عنصر غیرطبیعی مشاهده نمی‌شود علاوه بر آن که تمامی مصالح بوم آورد، در دسترس و ارزان قیمت‌اند. هماهنگی معماری و طبیعت، که به معماری، مفهومی زنده و پویا می‌بخشد و جایگاه انسان در این میان، محصول خرد نابی است که این معماری شگفت‌انگیز را خلق نموده است (همان).

۴-۲-۳. شناخت اجتماعی از دیدگاه معماری

مردم گیلان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی به صورت عمده به کشت برنج اشتغال دارند. مهم‌ترین مراحل کاشت برنج بر دوش زنان گیلانی است. کار زیاد زنان در شالیزار و نیز کار کردن آنها در خارج خانه، منجر به تظاهرات فرهنگی متمایزی شده است. این ملاحظات محصوریت کامل مسکن را بدان گونه که در ایران مرکزی مشاهده می‌شود، منتفی نموده و محرمیت بنا را به حداقل می‌رساند (خاکپور، ۱۳۸۶). با این وصف می‌توان فرهنگ مردم گیلان را مانند معماری آن برون‌گرا توصیف نمود. از سوی دیگر به دلیل عدم نگرانی از حمله و غارت دیگران، معماری مسلط منطقه، دارای سادگی و یگانگی در تمام وجوه آن است. هر آنچه در ظاهر بنا هست، در درون آن نیز اتفاق می‌افتد، و هرچه در درون است، در بیرون آن نیز نمود دارد (همان).

و کشف الگوهای موجود در آنها واقع شده و مورد ارزش گذاری قرار می‌گیرد. نکته مهم و قابل توجه در ادراک این مناظر وجود نفوذپذیری کالبدی در کنار نفوذپذیری بصری است که موجبات دسترسی را فراهم نموده و پرسه زدن در محیط را ممکن سازد. به این دلیل، راه‌های و مسیرهای روستا در درجه اهمیت بالایی قرار می‌گیرند. چرا که ابتدایی‌ترین عنصر مورد درک بوده و هر راهی که راحت‌تر ادراک شود، موجبات نفوذپذیری و جهت حرکت میان مناظر را بهتر فراهم می‌نماید. نکته قابل توجه در مورد مسیرهای روستا آن است که یک مسیر روستایی بیش از آنی که خود عنصری مستقل از سایر عناصر باشد، به واسطه رسیدن مرزهای مالکیت به یکدیگر و بصورت حدفاصل و جداکننده مرزها بروز یافته است. این مرز نیز خود دارای انواع مختلفی است و سلسله مراتبی دارد. به همین دلیل شناختن مرزهای کالبدی روستا از جمله مهم‌ترین موارد مورد بررسی در ادراک منظر محیط روستاست.

۴-۲-۴-۱. شناخت «مرزها» کالبدی در روستا

مرز در فرهنگ معین به «سرحد و کناره» تعریف شده است. در گویش گیلکی نیز به همین معنا به طور عام به کار برده می‌شود؛ اما به طور خاص راه‌های میان دو مزرعه مجاور هم «مرز» نامیده می‌شود. در بازه زمانی اول، مرزهای روستا شامل مرزهای مزارع، باغ‌ها و جاده هستند و در بازه زمانی دوم مرزها شامل مرز خانه‌ها، ورودی خانه‌ها و تشخیص حوزه‌های مختلف در محوطه خانه‌ها و گسترش حریم خانه‌ها با اضافه کردن فضای سبز به کنار جاده است (عکس ۱) (جدول ۴). این مرزها انواع مختلفی دارند که در ادامه به اصول زیبایی‌شناسی بکاررفته در هر کدام پرداخته خواهد شد.



تصویر ۱: دید به هسته مسکونی روستا از میان مزارع و جاده منتهی به روستا (نگارندگان)

۴-۲-۴-۱-۱. اصول زیبایی‌شناسی مرزبندی میان مزارع برای کشت نشای برنج، از مزارعی که برای برنج‌کاری از آب پر شده یا کشتزارهایی که در سیل غرق شده‌اند، استفاده می‌شود. کشتزارهای برنج در مناطق هموارتر الگوی منظمی از کانال‌ها و نهرها را بوجود می‌آورند که به منظور توزیع یکسان آب در کشتزارها، به طور یکنواختی قرار می‌گیرند (عکس ۲). در مناطقی

روستای پس چپر روستایی کوچک از توابع شهرستان رودسر در شرق استان گیلان است. روستا از دو جهت جنوب و غرب محصور به رودخانه است. که دره عمیق رودخانه در بخش جنوب و وجود شعبه‌ای از آن در سمت غرب شرایط خاص جغرافیایی را از جهت شکل‌گیری هسته اولیه ایجاد کرده است (تلفیق تپه (جلگه) و رودخانه). هم اکنون کمتر از ۲۰ خانوار در این روستا زندگی می‌کنند. که از چند نسل قبل ساکن این روستا بوده‌اند و امرار معاش اصلی ساکنان روستا از طریق شالی‌کاری است. که باغ‌های کوچک مرکبات و درختان میوه و نگهداری از حیوانات اهلی به آن افزوده می‌شود.

۴-۲-۴-۱. حالت فاصله دید (چشم‌انداز روستا)

با توجه به مرحله اول جدول ۱، هنگامی که ناظر در میان مزارع منتهی به روستا حرکت می‌کند، درک او از چشم‌انداز روستا این چنین است: پوشش گیاهی غالب است و بناهای روستا را پنهان می‌کند و در عین حال به سیمای روستا وحدت می‌بخشد (کلاستن، ۱۳۸۶). بام‌های شیروانی، بناهای با ارتفاع یک یا دو طبقه و گیاهان متنوع سازنده سیمای روستا هستند. بخش‌های مسکونی روستا در ارتفاع بالاتر نسبت به زمین‌های کشاورزی اطراف قرار دارند. یکپارچگی خط آسمان در فواصل موزون با بالا رفتن برخی پوشش‌های گیاهی از یکنواختی درآمده و قوه بینایی را درگیر خوانش می‌نماید. همچنین تیرگی‌های موجود در چشم‌انداز روستا توجه بیشتری را برای درک چیستی آن به خود جلب می‌کند. تلفیق موزون رنگ‌های سبز، سفید، آبی و قرمز نیز در جذابیت منظر کلی روستا اثرگذار است. به طور کلی عناصر موجود در این چشم‌انداز در زیبا خواندن آن و ایجاد کشش برای نزدیک شدن به آن اثر قابل توجهی دارند. در یک تقسیم‌بندی کلی برای درک بهتر سیمای روستا در بازه زمانی اول، می‌توان عناصر بوجود آورنده منظر روستا را به دو دسته تقسیم نمود:

۱. عناصر طبیعی منظر که با دخالت انسان به این شکل سازماندهی شده و انسان یکی از عوامل سازنده آن بوده است.
۲. عناصر مصنوع منظر که در واقع همان منظری است که انسان تنها عامل سازنده آن بوده است (جدول ۳).

۴-۲-۴-۲. حالت ادراک در محیط (بررسی منظر بصری -

کالبدی درون روستا)

ادراک منظر در محیط روستا از دیده شدن مناظر متعدد درون روستا و عناصر کالبدی سازنده این مناظر حاصل می‌گردد. این ادراک به دلیل وجود کریدورهای بصری مرتبط با هم در روستا، به طور همزمان دربرگیرنده همزمان اینجا و آنجا بوده و هر منظر شامل پیش زمینه، زمینه و پس‌زمینه می‌باشد که ناظر را پیوسته از یک منظر به منظری دیگر فرا می‌خواند و حواس او را کاملاً درگیر می‌سازد. عناصر کالبدی سازنده این مناظر، در ابتدا به لحاظ فرمی (شامل: رنگ، ابعاد و تناسبات) مورد توجه ناظر قرار گرفته و سپس با توجه به داشته‌های ذهنی وی، مورد دسته‌بندی



تصویر ۳: پرچین چوبی تعیین کننده مرزباغ (نگارندگان)

با شیب تند، از تراس‌بندی استفاده می‌شود تا عمل کنترل فرسایش یا از بین رفتن خاک، نگه‌داشتن آب و تسهیل توزیع آن به راحتی انجام گیرد. نکته مهم در طرح تراس‌ها تعقیب خطوط هم‌تراز است، زیرا برای جلوگیری از جاری شدن آب، حفظ سطح افقی آن لازم است. در نتیجه تراس‌ها، الگوهای خطی و پیچ بسیار مشخصی را در سرتاسر زمین‌های شیب‌دار بوجود می‌آورند. پرشدن تراس‌ها از آب و پوشیده شدن لبه آن‌ها با چمن سبز یا رستنی‌ها، مناظری به یاد ماندنی ایجاد می‌کند (بل، ۱۳۸۶). بل اشاره می‌کند که «شکل‌های نامنظم و به هم پیوسته دارای ابعاد فراکتال نیز هستند که قابل اندازه‌گیری بوده و به خوبی تفاوت میان طرح‌های برنامه‌ریزی شده و خودسازمانده را نشان می‌دهند» (همان، ۳۳۱) (جدول ۵).



تصویر ۴: ایجاد پرچین با کاشت درختان تعیین کننده مرز باغ (نگارندگان)



تصویر ۲: دید به مزارع برنج روستا (نگارندگان)

جدول ۳: مؤلفه‌های سازنده چشم‌انداز روستا در بازه زمانی اول (نگارندگان)

عناصر طبیعی منظر	تنوع گیاهی	درختان بلند شاخص
مؤلفه‌های سازنده چشم‌انداز روستا	تنوع فرم و رنگ در فصول مختلف سال	پنهان و آشکار بودن بناها در گیاهان
	توپوگرافی زمین	
	بام‌های شیروانی	
عناصر مصنوع منظر	خط آسمان متنوع تقریباً هم‌ارتفاع	تنوع رنگ به علت تأثیرات طبیعت همچون زنگ زدگی یا جایگزین کردن مصالح با مصالح جدید
	کندوج - خانه	

جدول ۴: بررسی منظر در دو بازه زمانی بر اساس نمودار ۱ (نگارندگان)

بازه زمانی اول: منظر کلی روستا	«مرز»های مزارع پرچین باغ‌ها مرزهای میان مزارع و باغ‌ها با جاده مرز خانه‌ها با جاده ورودی به حیاط خانه‌ها	دسته‌بندی خصوصیات مرزهای روستا
بازه زمانی دوم: منظر مسیرها و حریم‌های درون روستا	اجازه نفوذ دید به محوطه خانه‌های مسکونی و تشخیص حیطه‌های مختلف عملکردی؛ حیطه‌های مختلف عملکردی در کل فضا شامل باز و نیمه‌باز و بسته گسترش حریم خانه‌ها به جاده با اضافه کردن فضای سبز خصوصی به حریم جاده	

۴-۲-۴-۲-۱. اصول زیبایی‌شناسی پرچین‌ها

در روستا، محوطه بیشتر با پرچین محصور می‌شود که نه تنها حدود فضای خانه را مشخص می‌کند، بلکه حفاظتی است برای باغ‌ها در مقابل چهارپایان و برای ماکیان. این پرچین‌ها بر حسب محل ممکن است از نی‌هایی باشد که با ترکه‌های نازک به هم بافته شده باشند (تصویر ۳) (امروزه به جای این ترکه‌ها سیم فلزی به کار می‌برند)، یا از شاخه‌هایی که به دور پایه‌ها یا قطعه چوب‌های افقی که به تیر بسته می‌شوند، پیچانده می‌شوند (برومبرژه، ۱۳۷۰). این پرچین‌ها بر حسب مصالح مورد استفاده و نوع بافت، شامل رمش (پرچینی بافته شده از شاخ و برگ به صورت انبوه)، چپر (ساخته شده از شاخ و برگ)، لوله پرچین یا پرده (پرچینی ساخته شده از نی) است (خاکپور، ۱۳۸۶) (جدول ۶) (تصویر ۴).



تصویر ۶: ردیف درختان سازنده مرز (نگارنگان)

۴-۲-۴-۲-۲. اصول زیبایی‌شناسی مرزهای مزارع با جاده

الگوهای سازنده مرزهای مزارع با جاده:
 ۱. جوی آب و حریم جوی آب؛ ۲. ردیف درختان؛ ۳. شکل ارگانیک مرزها (حتی تحمیل‌کننده شکل خود به جاده) (تصاویر ۵ و ۶)



تصویر ۷: جوی آب و حریم آن سازنده مرز (نگارنگان)



تصویر ۵: ردیف درختان و پوشش گیاهی سازنده مرز مزارع با جاده (نگارنگان)

نظر می‌رسد استفاده از بلوک سیمانی یکی از نشانه‌های پیشرفت و تمول محسوب می‌شود. بقیه خانه‌ها از پرچین چوبی (چوب خشک یا بریده شده در ترکیب با گیاهان بوته‌ای مانند رز یا درختان بلند و زنده) استفاده کرده‌اند. در خانه‌های با دیوار سیمانی دید به داخل کاملاً بسته شده اما باز هم ترکیب گیاه با این دیوارها به عمد یا غیرعمد به روشنی قابل مشاهده است (وجود تک درخت یا پیچیدن گیاهان برسیم خاردار یا خزه...). پرچین‌های زنده با درختان و گیاهان گوناگون امکان ارتباط بصری بین جاده و خانه‌های روستایی را ایجاد می‌کنند، در عین حال با نیمه شفاف بودن خود در حرکت ناظر ایجاد سایه روشن می‌کنند و این دیوارهای زنده آنجا که مقابل حیاط خانه‌ها و فضای خصوصی‌ترند با تراکم بیشتر گیاهان انبوه‌تر می‌شوند و حسی از محرمت و فضای خصوصی را در داخل خانه‌ها بوجود می‌آورند که البته با توجه به فصول مختلف سال و میزان خزان‌پذیری گیاهان این تأثیر متفاوت است (جدول ۷) (تصویر ۸).

۴-۲-۴-۲-۳. اصول زیبایی‌شناسانه مرز خانه‌ها با جاده

امروزه با ازدیاد وسایل نقلیه، تردد افراد بیشتر و راحت‌تر شده و حضور افراد غریبه در روستاها، موجب احساس عدم امنیت گشته و در نتیجه روستاییان به ایجاد حصار بصری و ایجاد محدودیت دید از خارج به داخل بنا تمایل یافته‌اند که در پی آن ساخت دیوارهایی برای منازل مسکونی مجاور معابر اصلی متداول شده است. این نحوه محدود کردن محوطه که از نظر اقلیمی چندان مناسب نیست، به نیاز امنیتی و روانی ساکنین روستا پاسخ می‌دهد (خاکپور، ۱۳۸۶). در آرایش عناصر محوطه با توجه به ملاحظات فرهنگی همیشه سعی می‌شد، فضای آلوده از دید مهمان و افراد غریبه پنهان بماند (برومبرژه، ۱۳۷۰). عامل اصلی دیگر که در قرارگیری عناصر محوطه مورد توجه قرار می‌گیرد، مصون ماندن بنا از وزش باد، در پناه بناهای جانبی است (خاکپور، ۱۳۸۶). از نظر آماری ۵۰ درصد خانه‌ها دیوار بلوک سیمانی دارند. به

توجه بوده در خانه‌های جدیدتر با دروازه‌های آهنی ۴۵ درصد و در خانه‌های قدیمی‌تر در ۲ مورد با چسپاندن توری‌های پلاستیکی رنگی با فرم مستطیل شکل و عمدتاً در ارتفاعی پایین‌تر از قد انسان برای جلوگیری از عبور دام و حالتی مشبک نسبتاً دید به داخل دارند و بجز این با کاشت درخت در یک سو یا دو سوی ورودی برای سایه‌اندازی روی آن به تعریف فضای ورودی پرداخته‌اند (تصویر ۹ و ۱۰ و ۱۱) (جدول ۸).



تصویر ۱۱: تعریف امروزی ورودی خانه با در فلزی و تعریف مرز خانه با استفاده از توری فلزی (نگارنگان)

۴-۲-۳-۲-۳. مرزبندی حیطة‌های مختلف عملکردی در حیاط خانه‌ها

مرزهای کالبدی: وجود عناصر خدماتی هر واحد، محدوده عرصه خصوصی آن را تعریف می‌کند، عناصری که وجود آنها در بناهای روستایی گیلان، اجتناب‌ناپذیر بوده و کارکرد ویژه آنها بیشتر مربوط به فعالیت‌های اقتصادی گیلانیان است. این عناصر شامل کندوج یا کروج، تلمبار، گاچه و طولیله، کوتام یا کتام، دست باغ، چاچه یا حوض و در پاره‌ای موارد توتستان است (خاکپور، ۱۳۸۶). مرزهای ذهنی: این مرزها در جاهایی که کشت انجام شده هندسی‌تر و به فرم مستطیل نزدیک‌ترند و آن‌جا که فقط حوزه‌های عملکردی حیاط را جدا می‌کنند ارگانیک و با سنگ و یا بر اثر پاخور طبیعی عبور آدم‌ها بوجود آمده‌اند. به عبارت دیگر مرز میان فضاهای گوناگون عملکردی معمولاً ذهنی است. گاهی یک درخت یا یک ردیف درخت مانند ردیف درختان تبریزی که دو زمین مجاور را از هم جدا می‌کند، یا یک سنگ یا چیدن



تصویر ۸: جوی آب و درختان سازنده مرز (نگارنگان)



تصویر ۹: در چوبی قدیمی (نگارنگان)



تصویر ۱۰: درختان در دو سوی ورودی (نگارنگان)

۴-۲-۳-۲-۳. اصول زیبایی‌شناسی ورودی

در روستاهای گیلان در ورودی حیاط که «بلته» نام دارد معمولاً از شاخه‌های کلفت یا تنه نازک درختان است که با قرارگیری روی یک پایه، امکان جابه‌جایی دارد و با حرکت دادن آن، ورودی باز و بسته می‌شود. افراد متمول در روستاها به جای بلته، در دولنگه چوبی به همراه سردری ساده یا تزیین شده داشته‌اند. امروزه از درهای دو لنگه فلزی برای ورودی محوطه استفاده می‌شود و دیوار محوطه نیز عموماً از بلوک‌های سیمانی است (خاکپور، ۱۳۸۶). در این روستا شاخص کردن خود ورودی مورد

یک ردیف سنگ، حیطة‌های مختلف عملکردی را تعریف می‌کند (تصویر ۱۲). به عبارت دیگر هر سنگ یا درختی در گیلان می‌تواند نشانه باشد برای حدود یک حیطة که فقط برای ساکنان آن محله معنا دارد. و برای یک ناظر غریبه خواندن این مرزها دشوار است. چنین مرزهایی در حیاط یک خانه یا در حدود یک مزرعه نیز دیده می‌شوند. که حاکی از اعتماد متقابل مردم به یکدیگر و حافظه جمعی مردم دارد. به عبارت دیگر با تغییر پوشش گیاهی برای ناظری که گیاهان مختلف را می‌شناسد، مرزهای حیطة‌ها گاهی آشکار می‌شود.



تصویر ۱۲: تقسیم‌بندی حوزه‌های مختلف عملکردی در حیاط خانه با تعریف مسیر (نگارنگان)

۴-۲-۴-۲-۴. گسترش حریم خانه‌ها به کنار جاده استفاده از فضای بیرون درب خانه‌ها برای باغچه و سبزی‌کاری، احساس مالکیت آنها را به بیرون از فضای خصوصی گسترش داده است. و به گسترش فضای سبز عمومی حداقل از نظر بصری کمک کرده است. این رفتار در خانه‌هایی با دیوارهای سیمانی بیشتر مشاهده می‌شود. در واقع این ترکیب فضای سبز را با دیوار و پیش ورودی و بخشش آن را به جاده یک عامل زیبایی می‌دانستند که آن را به این شکل در بعضی خانه‌ها جبران کرده‌اند (تصویر ۱۳).

۲-۴-۲-۴. فضاهای نیمه باز در محوطه مسکونی کندوج: مصداق بارز فضای نیمه باز در محوطه هر خانه مسکونی است. که یک عنصر ضروری در حیاط خانه هر شالیکار است.

عملکرد اصلی آن انبار برنج است که در طبقه بالای آن صورت می‌گیرد. اما از فضای نیمه باز پایین آن در ایام مختلف سال استفاده‌های گوناگونی می‌شود: از جای تغذیه مرغ و جوجه تا انبار کردن یا پارکینگ تراکتور یا سایر وسایل نقلیه تا استفاده شیرینی‌پزی و پختن غذا در مراسم‌های گوناگون وجود کندوج با پایه‌های بلند و فضای مکعبی در بالا در ترکیب باسقف شیروانی حلبی در هر خانه ضروری است (خاکپور، ۱۳۸۶) (تصویر ۱۴).

ایوان: در روستاها ایوان شاخصه اصلی معماری بومی است، ایوان فضای نیمه بازی است که محل انجام بسیاری از فعالیت‌های ساکنین بوده و نقشی ارزنده در کارایی واحد مسکونی داشته است. ایوان تعریف کننده جهت اصلی و مهم‌ترین وجه ساختمان است. «تالار» جزو مهم‌ترین عناصر واحد مسکونی روستایی و نشانی از اهمیت و شخصیت صاحب خانه است و پوشش جداره‌های خارجی آن کمتر از ایوان بوده است (خاکپور، ۱۳۸۶).



تصویر ۱۳: گسترش حریم خانه به جاده (نگارنگان)



تصویر ۱۴: کندوج در محوطه یکی از خانه‌های روستا (نگارنگان)

۴-۲-۴-۳. گذر زمان

رد پای گذر زمان را می‌توان به روشنی دید؛ در یک خانه، در حیاط یک خانه با ساخت خانه جدیدتر، ترکیب مصالح قدیم و جدید در ورودی‌ها، همچنین در گیلان با رطوبت زیاد و سبزیگی و باران زیاد، رد پای گذر زمان بر روی مصالح جدید و همونا

جدول ۵: اصول زیبایی شناسی
مرزبندی میان مزارع (منظر خود
سازمانده) (نگارندگان)

استفاده از مصالح موجود در محل (گل و آب...)	خصوصیات کالبدی و شکلی
هماهنگی شکل و اختلاف ارتفاع مرزها با خطوط توپوگرافی یا بوجود آوردن	مرزبندی میان مزارع
اختلاف ارتفاع لازم به دلایل عملکردی (جریان آب)	
جادادن انواع آبشارهای جاری در مرز برای آبیاری و نظام تقسیم آب مزارع	
شکل ارگانیک مرزها (منحنی‌های گوناگون ...)	

جدول ۶: اصول زیبایی شناسی پرچین‌ها (نگارندگان)

گیاهان و درختان زنده و در حال رشد و تغییر؛ استفاده از چوب به عنوان ساختار اصلی پرچین‌ها؛ استفاده از چوب‌های درختان خشک یا بریده شده به همان شکل طبیعی و عدم تغییر در سطح این مصالح؛	عناصر و مصالح سازنده	خصوصیات کالبدی و شکلی پرچین‌ها
نفوذپذیری بصری با انتخاب ارتفاع پایین‌تر از چشم انسان برای پرچین‌ها؛ ترکیب درختان بلند با پرچین‌های ۱ متری ایجاد تنوع بصری؛ نظم، تکرار، ریتم؛	اصول بصری	
هماهنگی عناصر سازنده پرچین با هم از نظر بافت و شکل و رنگ و جنس؛ شکل ارگانیک مرزها (ترکیب منحنی‌های گوناگون)؛ ساختار خطی؛	توپولوژی	

شاخصه‌های زیبایی است اما تداوم رنگ آبی در هسته اولیه و غیر
آن در گذر زمان نشان‌دهنده این است که این رنگ که در طی
سال‌ها دوباره و دوباره در همین خانه‌ها رنگ‌آمیزی شده است
(معمولاً طبقه بالا آبی رنگ شده است) (تصاویر ۱۵ و ۱۶).

ساختن آن با طبیعت، با انواع فرسایش و گیاهان پوششی و
سبزی‌نگی، در کمترین زمان دیده می‌شود.

۴-۲-۴-۴. رنگ

تعدد دید در این روستا یکی از شاخصه‌های زیبایی محسوب
می‌شود. مجموعه‌های چند عملکردی خانه‌ها دید سمتی از جاده
را محدود می‌سازند و ناگهان با عبور از کنار این مجموعه گسترش
فضایی در مقابل چشمان بیننده روی می‌دهد. احساس زیبایی نه

در گیلان در اسفند ماه زنان هر خانواده با تهیه گل رس برای
گیله‌کار کف خانه را تمیز می‌کردند و با نوعی گل به نام «سفیده
گل» دیوارها را تزئین می‌کردند (عباسی، ۱۳۸۵). رنگ آبی در
دیوار خانه‌ها در ۳۳ درصد خانه‌ها و رنگ‌آمیزی خاص آجر در
یک خانه اتفاق افتاده است. و بقیه به رنگ طبیعی مصالح هستند.
رنگ کاهگل و چوب به حالت طبیعی و حلب و ایرانیت خانه‌ها از

جدول ۷: اصول زیبایی شناسانه مرزخانه‌ها با جاده (نگارندگان)

عدم نفوذپذیری بصری ترکیب گیاهان با دیوار نفوذپذیری بصری	بلوک سیمانی مصنوع		
نیمه شفاف بودن خود (ایجاد سایه روشن در دید به داخل) ساختار متغیر در فصول مختلف از نظر حجم و رنگ و ایجاد محرمیت	پرچین‌های زنده با گیاهان مختلف	مصالح سازنده طبیعی	خصوصیات کالبدی و شکلی مرزخانه‌ها با جاده
داخل محوطه خانه بیرون محوطه خانه در جاده	جوی آب		
حفظ هم‌پیوندی و یکپارچگی زمین‌ها	ارگانیک و منحنی	هندسه کلی مرزها در پلان	

جدول ۸: اصول
زیبایی شناسانه مرزخانه‌ها با
جاده (نگارندگان)

گاهی مسقف شدن با مصالح یا پوشش گیاهی دروازه آهنی توری‌های پلاستیکی رنگی کاشت درخت در یک یا دو سوی آن	تو رفتگی کالبدی و تعریف فضای ورود شاخص کردن ورودی	خصوصیات کالبدی و شکلی ورودی‌ها
وجود جوی آب در بیرون و در فضای پیش ورودی و یا در حیاط و در فضای پس ورودی		



تصویر ۱۷: ادراک همه حواس (نگارنگان)



تصویر ۱۵: تشخیص دهی با رنگ (نگارنگان)



تصویر ۱۸: غنای بصری و حسی در منظر مسیر درونی روستا (نگارنگان)



تصویر ۱۶: تداوم رنگ آبی در روستا (نگارنگان)

تنها به چشم‌ها و قوه ادراکمان باز می‌گردد بلکه ترکیبی است از تمامی قوای حسی و ادراکی مان از بویایی و شنوایی و لامسه با پیشینه‌های ذهنی و فرهنگی (تصاویر ۱۷ تا ۱۹).

۴-۲-۴-۶: تنوع گیاهی و جانوری

تنوع جانوری و تأثیر وجود و ارتباط متقابل‌شان در زندگی انسان نباید نادیده گرفته شود. استفاده از اسب در قدیم در مزارع برنج متداول بوده و به همین دلیل فضای زندگی او و تأمین شرایط آسایش‌اش در معماری و منظر رعایت می‌شده است. اما امروز اسب جای خود را به تراکتور داده. با این حال هنوز نگهداری مرغ و خروس در روستا متداول است. وجود سایر حیوانات در همزیستی مسالمت‌آمیز با انسان در ایجاد فضای لطیف برای زندگی انسان مؤثر است. گیاهان بجز موارد بالا، برای استفاده‌های گوناگون، میوه، ریشه، ساقه، برگ و ... کشت می‌شود.



تصویر ۱۹: غنای حسی و بصری در منظر باغها (نگارنگان)

نتیجه‌گیری

این بررسی نشان می‌دهد که طبیعت، به عنوان اصلی‌ترین عنصر سازنده منظر این روستا و اصلی‌ترین عامل پیونددهنده عناصر سازنده آن، در جای جای معماری و منظر بومی گیلان، به اشکال گوناگون حضور دارد. و روستاییان گیلانی از آن برای اهداف ساخت و ساز و منظرین خود استفاده کرده‌اند. اما زیبا دانستن طبیعت به همان صورت طبیعی و به خدمت گرفتن آن با کمترین تغییر که آن هم بر اثر ضرورت ایجاد می‌شود، در ذهن آنها نهادینه شده است. این نحوه برخورد با طبیعت در منظر، در معماری و فرهنگ آنها نیز دیده می‌شود. این نکته در شخصیت برون‌گرا، معماری برون‌گرا و یک رنگ و آغشته شدن زندگی آنها از همه لحاظ (کشاورزی، اقتصاد، آداب و رسوم، فرهنگ و ...) با طبیعت، نیز به روشنی قابل مشاهده است. وجود ارتباط بصری در تمامی مسیرها سبب پدید آمدن دیدهای مطلوب و متنوع در حالتی متوالی گردیده است، به گونه‌ای که هنگام حرکت و چرخش در مسیرهای مختلف، تنوع گیاهی و تنوع عناصر بکاررفته در ساخت مرز فضاهای مختلف شخصیت جدیدی را در هر مسیر ایجاد نموده و منظر متفاوتی را به بیننده هدیه می‌کند. وجود آسمان و پوشش گیاهی در تمامی مناظر روستایی سبب دلپذیری بالا و غنای حسی این مناظر گردیده است. مناظر عینی با ذهنیتی که ناظر فضا از گیلان، به عنوان سرسبزترین استان ایران، دارد همخوانی مطلوبی داشته و سبب انبساط خاطر و جذابیت آن می‌گردد. پرهیز از به کار بردن هندسه راست‌گوشه و منظم، و پرهیز از ایجاد مسیرهای شطرنجی و یکنواخت سبب تشخص فضایی قدرتمند این مناظر گردیده است. این اصول از ابتدای مشاهده سیمای کلی روستا تا بررسی جزئیات طراحی اجزای خانه‌ها رعایت شده است و ساختاری کاملاً سلسله‌مراتبی و قانونمند دارد. هر چه از کلیت مسأله به سوی مسائل جزئی‌تر پیش می‌رویم، تنوع در میان این اصول زیبایی‌شناسانه بیشتر شده و عناصر تعریف‌کننده فضاها دارای انعطاف بیشتری می‌گردند. و بالعکس هرچه به سمت کلیت ساختار روستا و بررسی عناصر کالبدی تشکیل دهنده منظر پیش رویم، خوانا بودن و قابل تعریف و بازشناسی بودن این عناصر مشهودتر می‌گردد. بکارگیری عناصر بدین روش سبب خوانایی بیشتر ساختار اصلی روستا می‌گردد. تعریف مسیرهای اصلی روستا با پیروی از توپوگرافی و مسیر رودخانه مجاور آن نمونه بارز یک طراحی ارگانیک و همساز با بستر طرح است، که با قاب گرفتن مناظر طبیعی متنوع در هر چرخش خود، بیننده را مجذوب خود ساخته است. کنترل خط آسمان روستا، تعریف کالبدی انواع مرزهای بیرونی چون مرز خانه‌ها به معابر، مرز باغات و زمین‌های کشاورزی با معابر و تعاریف کالبدی - ذهنی مرزهای درونی، مانند مرز فضاهای گوناگون درون یک خانه، مرزهای موجود میان باغات و زمین‌های کشاورزی و مرز میان دو خانه و همچنین وجود ارتباط بصری حداکثری علی‌رغم تعریف این مرزها در تمامی معابر روستا از مهم‌ترین و قابل درک‌ترین این موارد می‌باشند. رشد تدریجی روستا و تغییر و گسترش تدریجی خانه‌ها نیز از روی کالبد آن قابل تشخیص است؛ که این نکته گذر زمان را با هم‌نشینی مطلوب نو و کهنه ارزشمند نموده و با استفاده از مصالح بوم‌آورد پیوند مناسبی با طبیعت برقرار نموده است. عدم ایجاد تغییر در رنگ مصالح بومی مورد استفاده در روستا سبب یگانگی بیشینه آن گردیده و بافت روستا را به جزئی از طبیعت تبدیل نموده است. استفاده از پوشش گیاهی و درختان در تعریف مرزهای درونی و بیرونی سبب گردیده است تا کالبد طبیعی ایجادشده با رشد و تغییرات فصلی خوشایندی چون خزان پاییزی، مرگ زمستانی و سبزی و زندگی بهاری در طول فصول یک سال و در طول سالیان مختلف همواره در تغییر و تنوع باشد و رشد تدریجی روستا و گسترش آن را مانند رشد گیاهان و موجودات زنده، پرتکاپو و زنده جلوه دهد. این نوع استفاده از مصالح بوم‌آورد که خاص مناطق شمالی ایران و بخصوص گیلان است سبب می‌گردد که ناظر فضا خود را با موجودی کاملاً زنده روبه‌رو ببیند، موجودی که نفس می‌کشد؛ رشد می‌کند و گسترش می‌یابد. صفت زندگی بارزترین صفتی است که شامل مناظر روستایی گیلان می‌شود و این صفت با غلبه استفاده از طبیعت و مصالح طبیعی و زنده بر مصنوعات انسانی حاصل آمده است. بدین گونه، این روستا نه تنها سبب از بین رفتن طبیعت و عناصر آن نگردیده است؛ بلکه با رعایت این اصول منجر به تقویت آن و ارائه منظر مطلوب و حاوی ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و بوم‌آورد گشته است. این اصول زیبایی‌شناسانه جنبه‌ای کاملاً کاربردی داشته و می‌تواند مورد الگوبرداری در سایر مناطق این استان با شرایط خرده اقلیمی و جغرافیایی مشابه خود واقع شود. در جدول ۹، اصول ذکر شده به صورت جمع‌بندی یافته‌های تحقیق ارائه شده است.

جدول ۹: اصول زیبایی‌شناسی منظر روستای پس چپر (نگارنگان)

الگوی‌های زیبایی‌شناسانه منظر بومی گیلان	
چوب به رنگ و جنس طبیعی (بدون افزودنی یا تراش)	نظم، تکرار، ریتم، تنوع (پرچین)
(خاک و آب) گل کوبیده	مرز مزارع برنج
سنگ‌های طبیعی رودخانه‌ای	داخل محوطه خانه یا باغ
عناصر زنده منظر (مرزخانه و باغ) درختان و انواع گیاهان پوششی	تنوع رنگ و بافت ونور و اندازه و تراکم در فصول مختلف
مصلح سازنده	جوی آب و حریم آن
جنس و ماهیت	ایجاد مرز صوتی و تلطیف فضا با جریان آب
مرزهای ذهنی	نشانه‌های شناخت، دانش قبلی از فرهنگ و محیط
تنوع مرزبندی	فضاهای نیمه باز (داخل محوطه مسکونی) کندوج و سایر فضاهای عملکردی
شکل و فرم	شکل خطی (عنصر پایه) حرکت نرم در پلان
	حجم سازی و ایجاد فضا با گیاهان در ورودی (عنصر پایه)
	شاخص کردن با کاشت درختان بلند در دو سو، مسقف کردن با حجم شاخ و برگ گیاهان ارتفاع پایین‌تر از چشم
اصول بصری	نفوذپذیری (قدیم) تراکم متوسط شاخه‌ها و گیاهان (سایه روشن دید)
	عدم نفوذ پذیری (جدید) - بلوک سیمانی
مرزها	گسترش فضای سبز داخل به بیرون
تنوع رنگ	رنگ مصالح طبیعی و تنوع رنگ پوشش گیاهی در فصول مختلف طبیعی
معماری	رنگ آمیزی (سفید، آبی) و رنگ خاص
تنوع دید	در مسیر عبوری اصلی
گذر زمان	همنوا ساختن مصالح با طبیعت
تنوع گیاهی و جانوری	کاشت گیاهان برای استفاده‌های گوناگون (میوه، برگ، ریشه و...) جانوران و خواص آنها

منابع

- اسپیرن، آنه ویستون (۱۳۸۷). **زبان منظر** (سیدحسین بحرینی و بهناز امین‌زاده، مترجمان). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران (نشر اثر اصلی ۱۹۴۷).
- برومبِرژه، کریستیان (۱۳۷۰). **مسکن و معماری در جامعه بومی گیلان** (علاءالدین گوشه‌گیر، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- بل، سیمون (۱۳۸۶). **منظر الگو، ادراک و فرایند** (بهناز امین‌زاده، مترجم). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران (نشر اثر اصلی ۱۹۹۹).
- بل، سیمون (۱۳۸۵). **عناصر طراحی بصری معماری منظر** (محمد احمدی‌نژاد، مترجم). اصفهان: نشر خاک.
- خاکپور، مژگان (۱۳۸۶). **معماری خانه‌های گیلان**. رشت: فرهنگ ایلیا.
- رفیعی، زهرا (۱۳۹۰). **روند تحولات نثار در معماری بومی مازندران**، باغ نظر، (۱۹)، ۶۴-۵۵.
- طاهباز، منصوره (۱۳۸۳). **زیبایی در معماری**، ص ۳۷.
- عباسی، هوشنگ (۱۳۸۷). **آیین‌ها و باورداشتهای کشت برنج در گیلان**، کندوج (موزه میراث روستایی گیلان)، (۷)، ۴۷-۳۷.
- کلاستن، برایان (۱۳۸۶). **طراحی منظر با گیاهان** (سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، مترجم). سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.

- گروتز، یورک کورت (۱۳۸۳). **زیبایی‌شناسی در معماری** (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، مترجمان) تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (نشر اثر اصلی ۱۹۸۷).
- لیلیان، محمدرضا؛ امیرخانی، آذین؛ انصاری، مجتبی (۱۳۸۸). **جستاری بر مبانی و مفاهیم زیبایی‌شناسی و تبلور آن در ساختارهای معماری**، کتاب ماه هنر، (۱۳۷)، ۵۵-۵۰.
- مامفورد، لوئیز (۱۳۸۱). **مدنیّت و جامعه مدنی در بستر تاریخ** (احمد عظیمی بلوریان، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا (نشر اثر اصلی ۱۸۹۵).
- معین، محمد (۱۳۵۰). **فرهنگ معین**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهری آتیه، عباس (۱۳۸۹). **ردپای اسطوره در گیلان**. رشت: فرهنگ ایلیا.
- موسوی، سیدهاشم (۱۳۸۶). **نمایش‌ها و بازی‌های سنتی در گیلان**. رشت: فرهنگ ایلیا.
- میریوسفی، پویا (۱۳۸۶). **بوم معماری واژه‌ای جدید با ریشه‌هایی ژرف در گذشته**، کندوج (موزه میراث روستایی گیلان)، (۵)، ۱۴-۱۰.



Identifying the Aesthetic Patterns of Vernacular Landscape in Guilan Province Based on Rural Landscape Analysis (Case Study: Paschapar Village, Guilan, Iran)

Maryam Ramezani*

MSc of Landscape Architecture from Tehran University, Tehran, Iran;
Lecturer at Deyleman Higher Education Institute.

Masoumeh Livani

MSc of Urban Design from Tehran University, , Tehran, Iran;
Lecturer at Golestan University.

Abstract

The vernacular architecture of Guilan Province, Iran, is formed based on maximum correspondence with local climate and facilities. Rural landscape in this province includes structural models that have been long shaped mainly due to the climate, culture, and functional requirements of rural communities. Its residents have a special relationship with nature, which is evident in their architecture, culture, custom, and landscape. Guilan landscape is actually the mental creation of its people. Their mind has its particular aesthetic standards in addition to its own specific climate as well as historical and cultural records. Lack of adequate knowledge on vernacular architecture and its consequent valuable landscape may cause landscape deterioration along with dissociation of memories. Other than weakening identity, it may lead to unfortunate outcomes as sense of belonging and responsibility for the environment is ruined. Having access to the valuable models of this landscape requires the recognition and review of its powerful samples. However, the landscape has not been analyzed and its aesthetic models have not been discovered either. Landscapes of old villages are outstanding examples in which we can find a quite tangible union, because their original nuclei have been formed through complete consideration of the surrounding natural base. Besides natural landscapes of the village, anatomical factors, such as topography, as well as non-anatomical ones including odor, light, and sound are considered. If we extract the morphology of rural landscape and understand its formation process and constructive elements, we can use it for promoting the cultural context and making decision on the factors influencing urban landscape. This research involves both library and field studies. In library studies, by consulting the available scientific sources, desirable indices for evaluating the research scope were extracted. Moreover, through historical review of rural landscapes in Guilan and research backgrounds in this connection, we have studied its culture and custom as well as its people's treatment model towards nature in the formation of vernacular landscape. Then, by means of objective observations, objective landscape of Paschapar Village, classification of observations, and their adaptation to the extracted indices, anatomical models along with proper applications for each one were classified in applicable tables as research results. Findings indicate that the objective landscape of the studied village in Guilan, with respect to aesthetics, originates from its people's mentality and attitude towards nature. In this attitude, combination of the residential area and internal changes in its elements has a strong relationship with nature, following its gradual development patterns. Objective landscape of the village illustrates the domination of the surrounding natural base over its produced anatomical elements. The design observed in this village follows a general principle, that is, existence of a high visual relationship between its different spaces. Nearly all landscapes of the village, enjoying various anatomical elements and spatial sense on their own, have also two main elements of natural foreground and background. These landscapes, in spite of their definite thoughtful design principles, may appear intact. Observers, during their presence and movements into its space, find themselves amongst the village and nature together

Keywords: *Vernacular Rural Landscape, Aesthetics, Local Building Materials, Mental Landscape, Guilan*

* corresponding author: m1364.livani@gmail.com